



سال ششم / تابستان ۱۳۹۶

بررسی نقش اینترنت به‌عنوان فناوری آموزشی در رابطه با پرورش اصالت در دانشجویان با الهام از اندیشه‌های کرگور

• روح‌الله مظفری پور^۱

چکیده

در این پژوهش نسبت اصالت از دیدگاه کرگور با اینترنت به‌عنوان فناوری آموزشی بررسی شده است. به همین منظور از روش‌هایی مثل تفسیر مفهومی و روش تحلیلی و استنتاجی استفاده شده است. ابتدا اندیشه‌های کرگور در مورد اصالت و مولفه‌های مرتبط با مفهوم اصالت مانند ارتباط اصیل و اضطراب اگزستانسیالیستی تشریح شده است. از دیدگاه کرگور اصالت آدمی در گرو توجه به فردیت و تنهایی خویش و در عین حال داشتن ارتباط اصیل و دوری از سطحی‌نگری و روزمرگی است. سپس نسبت هر یک از مؤلفه‌های اصالت اگزستانسیالیستی با اینترنت مطالعه شده است. از طریق اینترنت امکان بروز و ظهور فردیت و ارتباط با افراد مختلف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف میسر می‌شود. از طرفی اینترنت می‌تواند باعث کاهش تمرکز، کاهش توانایی تصمیم‌گیری و ایجاد سطحی‌نگری شود. همچنین فقدان مؤلفه‌های ارتباط اصیل مانند ارتباط چهره به چهره و کاهش تجربه‌های اصیل واقعیت‌های زندگی از محدودیت‌های اینترنت در نسبت با اصالت است.

واژه‌های کلیدی: کرگور، اصالت، دانشجویان، اینترنت.

مقدمه

فناوری به‌عنوان یکی از دستاوردهای بشر، نقش مهمی در قلمروهای گوناگون زندگانی او یافته است. در همین راستا امروزه در قلمرو تعلیم و تربیت نیز، فناوری‌های آموزشی نقش گسترده‌ای دارند. از سوی دیگر همگام با گسترش فنی فناوری‌های نو، پرسش از این فناوری‌ها از دیدگاه‌هایی چون دیدگاه اخلاقی، جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و فلسفی نیز طرح شده است (برای نمونه هایدگر^۱، ۱۹۵۴). با گسترش فناوری‌های نوین از سده نوزدهم میلادی و فراگیری آن‌ها در سده بیستم، پرسش فلسفی از این فناوری‌ها نیز گسترش یافته است و برای نمونه فیلسوفانی چون مارسل^۲ (۱۹۶۳)، کم یا بیش به سنجش فلسفی فناوری و از جمله فناوری اطلاعات و پیامدهای آن پرداخته‌اند. از پژوهش‌هایی که به‌طور ویژه به اینترنت و تعلیم و تربیت پرداخته است، پژوهش‌هایی مانند صالح صدق‌پور و میرزایی (۱۳۸۷)، عبدالمهدی و دیگران (۱۳۸۹)، پروسر و وارد^۳ (۲۰۰۲)، دریفوس^۴ (۲۰۰۹)، سیری^۵ (۲۰۱۰) و ریمسکی^۶ (۲۰۱۰) اشاره کرد، که هر یک از جنبه‌ای به جایگاه اینترنت در آموزش و مسائل مربوط به آن اشاره پرداخته‌اند. برای مثال پروسر و وارد^۳ (۲۰۰۳) با تکیه بر افکار کرکگور به بحث آموزش از طریق اینترنت پرداخته‌اند. در این پژوهش تمرکز بر روی این مسئله بوده که آیا دانش‌آموزان و معلمان از طریق آموزش اینترنتی به معنای واقعی به صورت اجتماع با هم مرتبط می‌شوند یا نه؟ آن‌ها با استناد به افکار کرکگور و دریفوس اشاره می‌کنند که با توجه به عقاید کرکگور در حالی که ارتباط بین فردی عنصر مهم در تعلیم و تربیت است ارتباطات رسانه‌ای تکنولوژیکی باعث ایجاد خطر کم شدن ارتباط بین فردی می‌شود. یکی از دغدغه‌های کرکگور اصالت^۷ آدمی بوده است. او اصالت را در حفظ فردیت، ارتباط اصیل و ژرف‌نگری و ... می‌بیند که در ادامه تشریح خواهد شد. «کرکگور در قرن نوزدهم معتقد بوده که فناوری- که احتمالاً منظورش فناوری اطلاعاتی مثل روزنامه بوده - باعث ایجاد نقصان در حالت تشخیص^۸ انسان در قبال اطلاعات شده و این خود باعث تضعیف اصالت آدمی می‌شود» (پروسر و وارد، ۲۰۰۰: ۱۷۲). کرکگور^۹ با بررسی فلسفی یکی از فناوری‌های غالب زمان خود یعنی مطبوعات، معتقد بود اطلاعات و روزنامه‌های آن زمان نوعی «شخصیت عمومی»^{۱۰} را شکل می‌دهند. با

-
- 1- Heidegger
 - 2- Marcel
 - 3- Prosser and Ward
 - 4- Dreyfus
 - 5- Seery
 - 6- Rimskii
 - 7- Authenticity
 - 8- Discerning stance
 - 9- Kierkegaard
 - 10- Public Personality

تبلیغات گسترده در رسانه‌ها مردم به هر چیزی علاقه‌مند می‌شوند، بدون آن که عمیقاً در مورد آن‌ها فکر کنند. این باعث می‌شود آن‌ها از درک تفاوت بین چیزهای مهم و جزئی ناتوان باشند (پروسر و وارد، ۲۰۰۰: ۱۷۱). این مجهول بودن هویت و بی‌نامی چه بسا در فضای مجازی امکان تجلی بیشتری دارد، چرا که عضویت و فعالیت در سایت‌های مختلف علمی و یا غیر علمی اصلاً نیاز به معرفی شخصیت حقیقی فرد نیست که این مسئله به‌خصوص در گفتگوهای اینترنتی نمود بیشتری دارد.

اینترنت به عنوان یک فناوری آموزشی امروزه در نظام های تعلیم و تربیت به‌ویژه در سطح عالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته استفاده از اینترنت متنوع است، مثل بهره‌گیری برای آموختن، برقراری ارتباط، وقت گذراندن، گفتگوهای اینترنتی و ... این فناوری افق‌های فراوانی فراروی دانشجویان گشوده است. روشن است استفاده از اینترنت شامل شبکه های مختلف اجتماعی نیز هست (خدایاری، دانشور، سعیدی: ۱۳۹۳). اینترنت همچون دیگر فناوری‌های پیشین، تنگناهایی را نیز به دنبال داشته است. اینترنت یا همان فضای مجازی به علت داشتن ویژگی‌هایی چون: سرعت دسترسی، جذابیت و فضای تعاملی، افراد را به سوی خویش جذب کرده و حجم انبوهی از اطلاعات، فضایی جدید را پیش روی آنان می‌گشاید. اینترنت گاه می‌تواند با ترویج فرهنگ و بینش‌های همگانی و با رویارو کردن دانشجویان با انبوهی از اطلاعات، همان نقشی را در زمینه‌ای گسترده‌تر بازی کند که مطبوعات در سده نوزدهم بازی می‌کرد و کرکگور و برخی دیگر از اندیشمندان به گونه‌های دیگر، خطر آن را در حذف تفاوت‌های فردی و شکل دادن به شخصیت عمومی جامعه و دوری از اصالت گوشزد کرده‌اند.

از طرفی می‌توان گفت پرورش انسان اصیل خواه‌ناخواه یک هدف تربیتی است. چنانچه بونت و کیوپر^۱ (۲۰۰۳: ۳۴۰) معتقدند اصالت دانشجو باید به‌عنوان یک دغدغه اصلی در تعلیم و تربیت مورد توجه باشد. حال می‌توان پرسید نقش اینترنت در پرورش اصالت دانشجویان چیست و یا چه باید باشد؟ در واقع در این نوشتار تلاش می‌شود با تشریح مفهوم اصالت از دیدگاه کرکگور، نسبت میان پرورش اصالت، به‌ویژه آن چنان که مد نظر کرکگور بوده است، با بهره‌گیری از اینترنت به‌عنوان فناوری آموزشی توسط دانشجویان، واکاویده شود.

روش پژوهش

برای تحلیل افکار کرکگور درباره ماهیت اصالت از روش تفسیر مفهومی بهره گرفته می‌شود (کومبز و دنیلز، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۹). این روش برای فراهم آوردن تفسیرهای عینی شایسته از مفاهیم

است. برای توضیح و روشن کردن گزاره‌ها و اصطلاحات در فلسفه کرکگور از این روش استفاده می‌شود. منظور از این روش تنها ارائه یک تعریف ساده نخواهد بود، بلکه رابطه مفهومی مثل اصالت با مفاهیم دیگر و فهم جنبه‌های مهم معنای آن خواهد بود که وسیله‌ای برای رسیدن به غایت مذکور است. برای تفسیر یا تحلیل مفهومی چند شیوه وجود دارد (باقری ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۳): بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات یا عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد، و تحلیل بر حسب شبکه معنایی. در این پژوهش برای بررسی مفهوم اصالت از روش تحلیل بر حسب شبکه معنایی استفاده شده است. این روش بر این دیدگاه استوار است که برخی از واژه‌ها به سبب معانی مرتبط و نزدیکی که با یکدیگر دارند، به صورت شبکه‌ای به هم پیوسته ظهور می‌کنند. نوع ارتباط عناصر این شبکه یا میدان معنایی می‌تواند به صورت‌های مختلفی برقرار گردد. یکی از آن‌ها ارتباط اشراقی میان مفاهیم است که در این نوع ارتباط، یک مفهوم مرکزی و کانونی قرار دارد و مفاهیم دیگر پیرامون آن قرار دارند که جلوه‌ای از همان مفهوم مرکزی هستند. از این رو در این پژوهش اصالت به عنوان مفهوم مرکزی بوده و مفاهیم دیگری مانند فردیت، ارتباط اصیل و ... در پیرامون و جلوه‌ای از آن هستند. مشخص شدن مفهوم اصالت به منظور فراهم کردن زمینه برای بررسی نسبت چنین مفهومی در نسبت با بهره‌گیری از اینترنت توسط دانشجویان خواهد بود. باید اضافه کرد که منظور از نسبت در این جا نسبت منطقی نیست، بلکه بیشتر رابطه و تاثیر اینترنت در اصالت انسان مورد توجه است. در این پژوهش همچنین از روش استنتاجی نیز استفاده خواهد شد.

اصالت از دیدگاه سورن کرکگور

کرکگور اصالت را در ارتباط با چند مفهوم خاص بیان می‌کند. یکی از مفاهیم کلیدی در این خصوص فردیت است. او به عواملی اشاره می‌کند که باعث تضعیف فردیت می‌شود. یکی از مهم‌ترین آن عوامل مفهوم «توده» یا «توده‌ها» است که به نظر او فردیت انسان را به خطر می‌اندازند. این مفهوم در قالب مفهوم جمعیت یا جمع نیز بیان می‌شود. کرکگور وظیفه خود را آگاهی دادن از خطر توده‌ها می‌داند و معتقد است که بیشتر مردم از خطر توده‌ها و گمراه شدن به وسیله آن‌ها آگاه نیستند در حالی که توده‌ها ستمگر و مایه تباهی فردی هستند: «آنچه کار مرا در زندگانی اجتماعی دشوار می‌کند این است که مردم به خوبی نمی‌دانند من برای چه می‌جنگم؟ ایستادگی در برابر توده‌ها از نظر آن‌ها کاری بی‌معنی است. برای آن‌ها توده‌ها، عموم و شمار مردم خودشان نیروی رستگاری هستند ... توده‌ها فقط ستمگراند و باعث فساد و انحراف‌اند» (کرکگور، ۱۹۵۹: ۱۲۳).

کرکگور «فرد» را در بین انسان‌ها مهم‌تر از «توع» می‌داند و این ویژگی خاص انسان است که به خاطر خداگونگی او، فردیت او مهم‌تر از نوع انسان است (همان: ۱۸۷). از این رو است که می‌توان گفت کمال آدمی در فردیت یافتن اوست. به همین جهت است که کرکگور جمعیت و توده را ضد

فردیت می‌داند. کرکگور توده‌ها را با ویژگی‌هایی مثل سطحی بودن^۱ و بی‌معنایی^۲ مرتبط دانسته و مبارزه با آن‌ها را بسیار مشکل می‌داند.

سلطه توده‌ها هم بسیار شدید است و هم این که نشان می‌دهد از نظر کرکگور توده‌ها انسان را از هویت واقعی و انسانیت اصیل او دور می‌سازند. کرکگور عموم^۳ را وسیله هم سطح سازی^۴ می‌داند که اگر چه متشکل از هر کس و هیچ کس است، ولی وسیله‌ای برای همسطح سازی است (همان). کرکگور جمعیت یا توده را از جامعه سالم که از افراد تشکیل شده متمایز می‌کند. جمعیت (جمع) همیشه یک انتزاع است یک جامعه‌ای که ممکن است افراد را کاملاً غیر مسئول و توبه ناپذیر^۵ بار آورد. از نظر کرکگور که آن، نه جامعه، بلکه گله^۶ است، بر عکس، جامعه سالم انتخاب درست افراد را محقق می‌سازد که آن‌ها برای خود انتخاب و عمل می‌کنند^۷ (مارتین^۷ و وستفال^۸، ۱۹۹۵: ۴۹). در واقع توانایی انتخاب درست و آگاهانه و مسئولانه ویژگی افراد در جامعه سالم است. جامعه‌ای که در آن فرد و به عبارتی اصالت فردی محترم شمرده می‌شود، چیزی که در جامعه فناورانه بیش از پیش مشکل شده و فردیت خاص انسان فراموش می‌شود. هایدگر معتقدست در دنیای تکنولوژیک همه چیز به عنوان منبع مصرف و انرژی برای انسان تبدیل شده است و انسان همه چیز را با محاسبه کنترل می‌کند که چه بسا در نهایت انسان نیز به عنوان منبعی برای بهره برداری تبدیل می‌شود (هایدگر، ۱۹۵۴: ۱۵۳). به طوری که در مدارس و دانشگاه‌ها دانش آموز و دانشجو دیگر به عنوان انسانی اندیشمند با ویژگی‌ها و استعداد‌های منحصر به فرد که باید شناسایی شود و پرورش یابد مطرح نیست، همه دانش آموزان و دانشجویان باید به عنوان خروجی های نظام آموزشی بر حسب معیارهای کمی بهینه شوند. تعبیر رایج منابع انسانی به خوبی نشان دهنده تقلیل انسان به منبعی جهت بهره برداری در تفکر تکنولوژیک است (برومند و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۰). بدین ترتیب اهمیت توجه به فردیت و انتخاب‌های اصیل شخصی بیش از پیش مشخص می‌شود.

کرکگور سطحی بودن و نبود شور را از ویژگی‌های جهان مدرن می‌داند. «او در مورد ویژگی‌های عصر خویش، به سطحی بودن، رو کردن به اندیشه‌های بی‌بهره از شور و انتزاعی، غوغاگری و بیگانگی با سکوت و به ویژه اهمیت یافتن عامه و سلطه باورهای همگانی اشاره دارد» (نقیب زاده، ۱۳۸۷: ۹۹). کرکگور سطحی بودن را در چند جنبه می‌بیند. اول سخن گفتن در مورد مسائل و رویدادهای

1- Shallowness
2- Nonsense
3- Public
4- Leveling
5- Impediment
6- Herd
7- Martin
8- Westphal

روزانه و بی‌اهمیتی که هیچ ژرفایی ندارد و دیگری حرف‌های کلی و انتزاعی که به هیچ وجه با ژرفای زندگی پیوندی ندارد به طوری که هر کسی می‌تواند گوینده آن باشد (همان). که همه این‌ها نتیجه رو کردن به جمع و توده و عدم توجه به ژرفای درون بود. در واقع سطحی بودن و پرداختن به حرف‌های بی‌پایه و اساس یعنی دوری از اصالت. هایدگر نیز اشاره می‌کند که اگر سرتاسر تاریخ غفلت از متافیزیک است، در زمانه ما چنین غفلتی با غرور گستاخانه انسان به اوج خود رسیده است. بی‌توجهی به این که انسان در جهان تکنولوژیک چیزی از دست داده است، به عبارتی آرمان شهر قلمداد کردن ویران شهر و نادیده گرفتن خطر، با غیر عقلانی و بی‌اهمیت خوانده شدن سایر طرق فهم آن چه هست در جهان تکنولوژیک گسترش می‌یابد می‌تواند مانع رهایی از وضع موجود باشد (کترینگ و دیگران، نقل از برومند و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱). به عبارتی انسان امروز انسانی با افکار تکنولوژیک و نوعی نگرش حسابگرانه و سطحی نگرشی مواجه است که دلیل آن نیز گسترش روزافزون فناوری است.

کر کگور با مقایسه کتاب و روزنامه معتقد است در روزگاری که او عصر جنبش می‌نامد و افراد فرصتی برای تفکر و تأمل ندارند، روزنامه برای کسانی که وقت کمتری دارند مناسب شده و در نتیجه فرصت مطالعه کتاب نیز کمتر شده است (لمبارد^۱، ۲۰۰۹: ۱۲). این مسئله به‌ویژه در زمان حاضر و عصر اینترنت بسیار قابل توجه است. حال در عصر حاضر نیز گستردگی مطالعه و اطلاعات از منابع گوناگون بیشتر شده ولی عمق آن کمتر است (همان). او معتقد است که آن چه در مطبوعات گفته می‌شود برای تعداد زیادی راهنمایی بوده و در واقع بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد در حالی که آن‌ها ممکن است از نویسنده هیچ شناختی نداشته باشند: «در روزنامه‌ها یک نویسنده گمنام هر روز فرصتی می‌یابد (درباره مسائل اخلاقی، مذهبی و ...) سخن بگوید. هر چه که او می‌گوید هر وقت که دهانش را باز می‌کند به یکباره هزاران نفر را راهنمایی می‌کند که آنچه او گفته هزاران بار تکرار می‌شود» (کر کگور، ۱۹۶۰: ۹۶).

کر کگور (همان) مدعی است که در عصر او مردم به هر چیزی علاقه‌مند می‌شوند، ولی به هیچ چیز تعهد ندارند. ترویج کنجکاوی باعث عدم تشخیص مهم از غیر مهم می‌شود و با پخش اطلاعات با حجم زیاد اطلاعاتی از هر نوع برای هر کسی در دسترس قرار می‌گیرد که می‌تواند منجر به ایجاد گمنامی شود. چیزی که در مطبوعات اتفاق می‌افتد.

کر کگور به عواملی که می‌توانند به یافتن خویش در جامعه‌ای توده‌ای کمک کنند اشاره می‌کند. از نظر کر کگور از جمله شرایطی که می‌تواند انسان را در رسیدن هر چه بیشتر به خود فرد یاری می‌رساند گوشه‌نشینی و احساس نیاز به تنهایی است. همان خلوت‌گزینی که هر کسی در خود نیاز

به آن را احساس می‌کند، اما گاهی افراد چنان از خلوت و گوشه‌نشینی فرار می‌کنند که انگار از خود بودن خویش در گریزند. به نظر می‌رسد با جمع بودن و درگیر مشغله و مسائل روزمره شدن، فرصتی برای تفکر و تعمق را در خود نمی‌گذارند (دهباشی، رضاییان، ۱۳۹۰: ۹۰). مولوی هم از نوعی تنهایی که نه محصول بیگانگی که میوه و نتیجه خودشناسی و دیگرشناسی است، صحبت می‌کند و انسان را دعوت به تنهایی و تنها شدن و تنها بودن می‌کند. او یکی از هفت گناه بشر را قربانی شدن فرد در جمع می‌داند. از نظر او انسان کامل کسی است که نه براساس رغبت و گرایش جمع و توده، که براساس ملاک شخصی خود عمل کند (قبادی و گرجی، ۱۳۸۷). کرکگور همچنین با اشاره به اهمیت سکوت معتقد است: «تنها کسی که می‌داند اساساً چگونه ساکت باشد می‌تواند به معنای واقعی سخن بگوید و به‌طور اساسی عمل کند. سکوت ماهیت درون‌گرایی از زندگی درونی است. کسی که او واقعاً می‌تواند صحبت کند می‌داند چگونه ساکت باشد. او درباره چیزهای مختلف صحبت نخواهد کرد، بلکه تنها درباره یک چیز صحبت خواهد کرد و او خواهد دانست که چه موقع صحبت کند و چه موقع ساکت باشد. ... پرگویی از سکوت می‌ترسد چون سکوت پوچی آن را آشکار می‌کند» (کرکگور، ۱۹۶۲: ۶۹).

البته کرکگور با همه تأکیدش بر تنهایی و فردیت، بر ارتباط شخصی و مستقیم بین افراد هم تأکید دارد. پروسر و وارد (۲۰۰۰) معتقدند ارتباط اصیل از نظر کرکگور دربردارنده یک ارتباط شخصی است. در چنین ارتباطی فرد خود را می‌بیند و هم خود را آشکار می‌کند و خود را درمی‌یابد. از نظر او ارتباطات غیر مستقیم و فناورانه ارتباط بین شخصی را تضعیف می‌کند. او معتقد است ارتباط به معنای واقعی ارتباط چهره به چهره است و نه ارتباطات غیر شخصی. در ارتباطات غیر شخصی و غیر مستقیم درک بین شخصی دگرگون می‌شود (همان: ۱۷۳). از نظر کرکگور فناوری باعث تنزل ارتباط درست بین افراد نیز می‌شود. او معتقد است امروزه تمام ارتباطات غیر شخصی شده و فردیت از بین رفته است. هیچ کس نمی‌گوید «من»، و با «تو» صحبت نمی‌کند. از نظر او فناوری اصالت ارتباط بین فردی را از بین می‌برد (همان: ۱۷۵).

از نظر کرکگور سه نکته در مورد ارتباط رسانه‌ای وجود دارد: ۱- ارتباطات رسانه‌ای باعث ایجاد عدم تمایز بین آنچه مهم و آنچه جزئی است می‌شود. ۲- توانایی مردم در تشخیص بین درست و نادرست و آنچه شخصی و عمومی است از بین می‌رود. ۳- باعث علاقه مردم به همه‌چیز و در واقع هیچ‌چیز می‌شود (همان). در واقع به نظر می‌رسد از نظر کرکگور ارتباط غیر مستقیم و ارتباط رسانه‌ای باعث تضعیف قدرت درک و تشخیص افراد می‌شود و به نوعی واقعیت‌ها را مبهم می‌کند. نکته دیگری که در مورد ارتباط از دیدگاه کرکگور باید به آن اشاره کرد، این است که او به اهمیت حالات و حرکات در ارتباط تأکید دارد و مشخص است که چنین مسائلی در ارتباط چهره به چهره نمایان است. به‌طور خلاصه باید گفت کرکگور ارتباط واقعی را در ارتباط مستقیم و چهره به

چهره می‌بیند، و ارتباطات غیر مستقیم که توسط فناوری‌ها ممکن می‌شوند، عامل تضعیف ارتباط واقعی می‌داند.

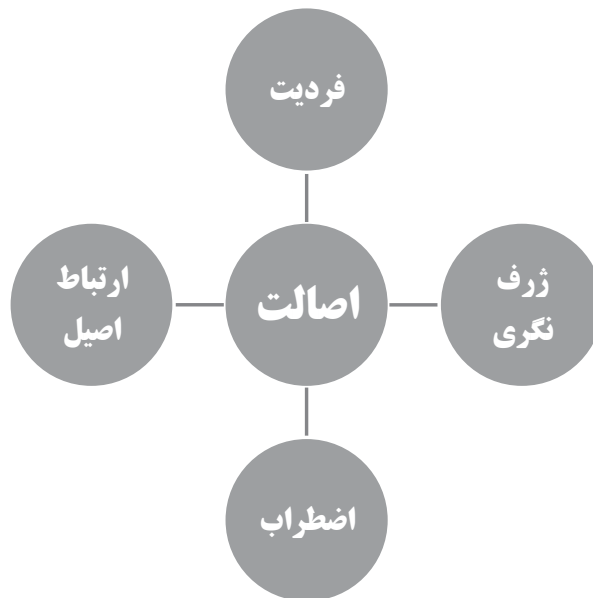
یکی از مفاهیمی که کرکگور و بعدها برخی دیگر از اندیشمندان هستی‌مانند هایدگر و سارتر در رابطه با اصالت به آن توجه کردند، مفهوم اضطراب است. آن‌ها این اضطراب را در مفهوم اگزیستانسی به کار می‌گیرند که مربوط به نحوه بودن و هستی آدمی است و با اضطراب معمول روان‌شناختی و ترس تفاوت دارد. اضطراب اگزیستانسی ناشی از آگاهی انسان از نیستی و مرگ است. ویژه انسان است و به خاطر این به وجود می‌آید که ما از هستی و اگزیستانس خود آگاهی داریم. این اضطراب در شرایط انسان و بودن انسان است و به عبارتی نقطه مرکزی شرایط انسانی است. از نظر کرکگور (۱۹۷۳: ۳۸) در حالی که ترس به موضوع خاصی بر می‌گردد، اضطراب واقعیت آزادی است به عنوان امکانی برای امکان. اضطراب در حیوانات یافت نمی‌شود. برای اینکه آن‌ها روح ندارند. اضطراب مربوط به چیزی نیست مربوط به نیستی و هیچی است (همان: ۳۹). در واقع این نوع از اضطراب برآمده از نحوه وجودی آدمی است و به موضوع خاص بیرونی، مربوط نمی‌شود بلکه از درون است.

«اضطراب و ترس آگاهی در انسان چنان است که انسان می‌تواند با مشغول شدن به زندگی روزمره آن را نادیده بگیرد، ولی هر چه تفکر و آگاهی در انسان بیشتر باشد انسان بیشتر آن را درک خواهد کرد. چیزی است درونی و باطنی که ضمن آزاد شدن و بیدار شدن روح پیدا می‌شود، هر چه روح بیدارتر، اضطراب اگزیستانسی بیشتر» (مستعان، ۱۳۸۶: ۱۲۷). اضطراب در واقع ناشی از آگاهی از شرایط انسانی و آزادی انسان است. آزادی در انسان اضطراب را به وجود می‌آورد. اضطراب مورد نظر کرکگور با فردیت گره می‌خورد و کسی که فردیت و اصالت خود را درک کند چنین اضطرابی را درک خواهد کرد.

کرکگور (۱۹۹۴) از سه مرحله زندگی انسان سخن می‌گوید: مرحله حسی که گذرا بوده و بالاترین حالت آن توبه از اعمال ناشایست است. این مرحله، مرحله بی‌واسطگی^۱ است. مرحله اخلاقی مرحله نیاز است و مرحله دینی مرحله تکامل است. در مرحله حسی، فرد در زمان حال متمرکز و نسبت به گذشته و آینده بی‌تفاوت است. در مرحله اخلاقی مواردی مثل وظیفه و تعهد مطرح است که بعد از یک پرش یا دگرگونی که نتیجه انتخاب آزاد و عمل فردی است، حاصل می‌شود. از نظر کرکگور بیشتر مردم در مرحله حسی باقی می‌مانند که این مرحله نمی‌تواند شامل انتخابی باشد که در آن فرد «خودش» شود، مرحله دینی از نظر کرکگور شامل جهش ایمانی است و بالاترین شکل فرد شدن است. در مرحله دینی فرد کاملاً برجسته‌تر از جمع است و فراتر از خوب

و بد و فراتر از جهان است. در این باره کرکگور مثال حضرت ابراهیم را می‌زند که هنگام قربانی کردن پسرش فراتر از اخلاق عمومی عمل می‌کند. چرا که اخلاق عمومی حکم می‌کند که کشتن یک انسان گناه است. کرکگور معتقد است فرد فراتر از کل (عموم)^۱ است، او این عمل حضرت ابراهیم را تعلیق اخلاق می‌نامد. به طوری که اخلاق عمومی را برای رسیدن به هدفی بالاتر متوقف می‌کند. به نظر او انتخاب فردی یگانه ساز در اصل، در بطن حرکت انسان در طی این مراحل به سمت بالا است. بدین گونه کرکگور بر جایگاه فرد و اهمیت آن در قبال جمع تأکید می‌کند. به طوری که مشخص می‌شود در مراحل بالاتر حیات، فردیت آدمی هر چه بیشتر نمایان تر می‌شود. گلوب^۲ (۲۰۰۵) معتقد است که اصالت انسان سلسله‌مراتبی دارد که حرکت آدمی به سوی اصالت از نظر کرکگور همان سه مرحله هستی آدمیست و بالاترین سطح اصالت همان مرحله دینی یا ایمانی است که مرحله ارتباط با خداست.

با توجه به توضیحاتی که گذشت می‌توان مفهومی از اصالت اگزیستانسی مورد نظر کرکگور را ترسیم کرد که این مفهوم به عنوان مفهومی مرکزی با مفاهیمی مانند فردیت، ارتباط، اضطراب و دوری از سطحی‌نگری و به عبارتی برخورداری از ژرف‌نگری و توجه ژرف به زندگی و جستجوی حقیقت‌گره خورده است. نسبت هر یک از این مولفه‌های اصالت با اینترنت مورد بررسی قرار می‌گیرد.



1- Universal

2- Golomb

نسبت اینترنت با فردیت

فردیت یعنی این که انسان در انتخاب‌ها، اعمال و تصمیم‌های خود مطابق ارزش‌های خود عمل کند و روش زندگی خود را خودش تعیین کند و تحت تأثیر جمع نبوده و پیرو دیگران نباشد. وقتی از اینترنت صحبت می‌شود می‌توان دنیای عظیمی از اطلاعات را تصور کرد که در پیش روی فرد قرار می‌گیرد، که کاربر خواه‌ناخواه تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد. می‌توان گفت نسبت اینترنت با فردیت چندگانه است. از طرفی وجود اطلاعات و افکاری از همه نوع و از همه کس، بر تفکر انسان تأثیر می‌گذارد و در واقع وجود لینک‌های مرتبط فکر کاربر یا دانشجو را هدایت می‌کند. به عبارتی به علت اطلاعات زیاد و گزینه‌های مختلف جهت انتخاب، فرصت تفکر کمتر می‌شود و ذهن درگیر محرک‌های مختلف و نظرات گوناگونی است که هر یک به‌نوعی درصدد جلب نظر کاربر هستند و معمولاً پرداختن به یک مطلب، خود زمینه برای پرداختن به مطلب دیگریست که همان لینک‌های پیوسته است. کرکگور معتقد است انسان زمانی با حقیقت زندگی می‌کند که انتخاب‌های او بر اساس تأمل و انتخاب خودش باشد نه بر اساس تلقینات و فشارهای خارجی. فرد در لحظه انتخاب تنها خودش است (ناس^۱، ۱۹۶۶). به عبارتی انتخاب باید با آگاهی‌گزینش شخصی و نه تحت تأثیر دیگران باشد. یکی از ویژگی‌های اینترنت وجود اطلاعات انبوه در آن است که انتخاب و تصمیم را برای کاربران آن مشکل می‌کند. اداره‌کنندگان سایت‌ها این اطلاعات را به صورت هدفدار در آن قرار می‌دهند، و کسی که موج سوار اینترنتی است، توسط این اطلاعات تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به اعتقاد ریملسکی (۲۰۱۰: ۲۶) کاربران اینترنت، هویت خود را با درونی کردن عناصری از اینترنت، به دست می‌آورند، یعنی از نگرش‌ها، اداراکات، قضاوت‌ها و سلائق و روش‌های زندگی که در آن وجود دارد. باید گفت در فضای مجازی به علت وجود لینک‌ها و مسیرهای متعدد پیش روی کاربر، عملاً کاربر به‌وسیله این لینک‌ها و کلیک‌ها می‌تواند هدایت شود. بنابراین فرد در چنین شرایطی در برابر انتخاب‌های متعدد قرار می‌گیرد که توسط دیگران مشخص شده‌اند.

از دیدگاه دریفوس (۲۰۰۲) نبود سلسله‌مراتب و اکتشاف نامحدود باعث می‌شود، فرد به جای انتخاب و گزینش دقیق به از «هر جا گزینی»^۲ بپردازد و در نتیجه، انتخاب‌های او اصالت کافی نداشته باشد. در بحث گزینش و انتخاب، امکان انتخاب اصیل با دشواری‌هایی روبروست چون هم گزینه‌ها بسیار زیاد است، هم معیار و سلسله‌مراتب خاصی در آن نیست. پرورش انسان متفکر و مستقل از اهداف تعلیم و تربیت است و لازم است در تعلیم و تربیت افکار و اندیشه‌های شخصی دانش‌آموز و دانشجو محترم شمرده شود و دانشجویان یک اعتمادبه‌نفس مطمئنی را در قضاوت‌های

1- Naess

2- Eclecticism

خود توسعه دهند و در مقابل موافقت غیر متفکرانه یا هم رأیی غیر متفکرانه با دیگران و شرایط موجود مقاوم باشند (بونت و کیوپر، ۲۰۰۳: ۳۲۶). چنین موضوعی در فضای مجازی تحت تأثیر اطلاعات بی‌شمار دچار مشکل می‌شود.

امکان «فرد» شدن در دنیای مجازی به خصوص آن گونه که کرکگور در نظر دارد ممکن به نظر نمی‌رسد چون می‌توان گفت دنیای مجازی، دنیایی در سطح زندگی حسی است که حداکثر می‌تواند مرحله اخلاقی را هم داشته باشد، ولی مرحله ایمان تنها می‌تواند در دنیای واقعی و تحقق یافتن «فردیت» ممتاز ممکن شود، زیرا مرحله ایمان مربوط به آزمونهای ژرف زندگی، مسائل معنوی و به گفته ی کرکگور فرا رفتن از عرف و جامعه و حتی اخلاق عمومی است که چنین چیزهایی با بودن در جهان واقعی، و رویارویی با مسائل مختلف زندگی امکان‌پذیر است. و فرد در مرحله دینی و ایمانی فراتر از فضای عمومی و مسائل روزمره و عادی زندگی قرار می‌گیرد. در حالیکه فضای مجازی، فضایی عمومی و مربوط به مسائل جاری زندگی و اطلاعات گوناگون است. از طرفی حضور بدنی نیز در چنین مرحله‌ای لازم به نظر می‌رسد. چنانچه آجانا (۲۰۰۵) هم اشاره دارد که برای شدن و سیورورت انسان، بودن و حضور بدنی در جهان [واقعی] لازم است.

از منظری دیگر به لحاظ برداشته شدن برخی محدودیت‌ها و آزادی که در فضای مجازی وجود دارد امکان ظهور و بروز «خود» شاید به نوعی بیشتر باشد. به این طریق که حداقل فرد احساسات و عواطف خود را آسان‌تر بروز می‌دهد، و چیزهایی که نمی‌تواند در دنیای واقعی بروز دهد و بگوید در آن جا موفق به بروز و گفتن آن‌ها باشد و فرد خویشتن خود را بروز دهد. در سایت‌های علمی نیز با وجود منابع علمی معتبر و متعدد امکان گسترش دیدگاه و بینش دانشجو بیشتر می‌شود. در سایت‌های معتبر علمی هم باید گفت اگرچه انبوه مقالات بسیار زیاد است و می‌تواند منجر به کاهش مطالعه عمقی شود ولی از طرفی وجود مقالات معتبر که برآمده از پژوهش‌های معتبر است می‌تواند بر رشد و گستردگی نگرش کاربران کمک کند.

نسبت اینترنت با ارتباط اصیل

دسترسی به اطلاعات، افزایش آگاهی‌های انسان، ارتباط با سرتاسر دنیا از جمله مزایایی است که ارتباط آنلاین در اینترنت برای انسان دارد، در واقع از ویژگی‌های ارتباط مجازی ارتباطات سریع و گسترده است. چون هم در کمترین زمان صورت می‌گیرد و هم با افراد و جاهای مختلف امکان برقراری ارتباط وجود دارد. ارتباط با افراد گوناگون و تفکرات مختلف و آگاهی از نظرات و اندیشه و دیدگاه‌های دیگران و آخرین دستاوردهای علمی در سراسر جهان فرصتی است که از طریق اینترنت و با حداقل زمان صورت می‌گیرد. ارتباط با افراد، با فرهنگ‌ها و تفکرات گوناگون که به خاطر مسافت زیاد شاید در جهان واقعی تحقق پیدا نکند از طریق فضای مجازی امکان‌پذیر است و این می‌تواند

کمکی به توسعه و پرورش «خود» باشد. همچنین با نظر به ارتباط اصیل باید گفت به نوعی ارتباط با گشودگی بیشتر بین افراد قابل تحقق است، چون برخی محدودیت‌های عاطفی مانند کمروبی و غیره در چنین فضایی مطرح نیست و آزادی بیشتر در بیان افکار و عقاید برای افراد فراهم می‌شود. اما از زاویه دیگر به‌ویژه در آموزش مجازی، عدم مواجهه چهره به چهره ارتباط اصیل را دچار مشکل می‌کند. همان طور که اشاره شد ارتباط اصیل از نظر کرکگور ارتباطی است که فرد خود را می‌بیند و هم خود را آشکار می‌کند و خود را درمی‌یابد. در واقع ارتباط، در این دیدگاه ارتباطی خواهد که موجب رشد و شکوفایی فرد خواهد شد که مستلزم آن است که دو طرف ارتباط حضوری از طریق احساسی و عاطفی و چهره به چهره داشته باشند و هیچ یک از طرفین، دیگری را به‌عنوان ابزار و وسیله قرار ندهد. برخی اساتید تعامل با دانشجو را یک شرط اساسی در آموزش می‌بینند. از این رو عدم وجود مواجهه رودررو در کلاس‌های مجازی باعث شده است که اساتید درباره کاهش تعامل، نگرشی منفی داشته باشند (صدق پور و میرزایی، ۱۳۸۷). بر اساس نتایج پژوهش دیگری در آموزش مجازی برخی اساتید تصور می‌کنند به کارگیری فناوری آموزش مجازی کیفیت تجربیات آموزشی را تهدید کند. این دسته از اساتید عقیده دارند که دانشجویان نیاز به تجربه شرکت در کلاس‌های درس چهره به چهره سنتی در درون دانشگاه دارند و شرکت در دوره‌های آنلاین منجر به کاهش تعامل بین دانشجویان خواهد شد (عبدالهیان و دیگران، ۱۳۸۹). در فضای تعلیم و تربیت بعضی از دانشجویان تعامل رودررو با همکلاسی‌های خود را تجربه‌ای جهت غنی‌سازی خویشتن خود محسوب می‌کنند. در حالی که اینترنت ارتباط بین استاد و دانشجو و حتی دانشجو با دانشجو در قالب تعامل چهره به چهره را که به قدمت خود تعلیم و تربیت بوده است با روش‌هایی مانند ایمیل و غیره کاهش داده است (آلبا^۱ و بارنکل^۲، ۲۰۰۵: ۷۳۵).

یکی از تفاوت‌های ارتباط در جهان مجازی با دنیای واقعی مربوط به ویژگی‌هایی است که طرف مقابل دارد. نوع نگاه به دیگران و برداشت از آن‌ها ممکن متفاوت از دنیای واقعی باشد. ارتباط انسان با «دیگران» در فضای مجازی معمولاً متفاوت از «دیگرانی» است که در فضای واقعی وجود دارند، چون نخست آن که، دیگران در فضای مجازی، اغلب ناشناس هستند و هویت واقعی آن‌ها ممکن است بر ما نامعلوم باشد. دوم این که ارتباط ما با آن‌ها به صورت کامل و با شرایط فیزیکی و مکانی انجام نمی‌گیرد. فناوری‌های جدید حواس بیشتری از انسان را درگیر خود می‌کنند و ارتباط با چنین فناوری‌هایی انسان را کاملاً غرق در خود می‌کند، چنین فناوری‌هایی اگرچه ارتباط را گسترده و آسان می‌کنند ولی در واقع از بین بردن ارتباط واقعی است چنین فناوری‌هایی ما را چه به لحاظ

1- Alba

2- Barnacle

اجتماعی و چه به لحاظ آگزیستانسی یا وجود، دچار دگرگونی می‌کنند و در واقع ارتباط چنان که سارتر می‌گوید تبدیل به جهنم می‌شود و معنای «من کیستم؟» از بین می‌رود (لمبارد، ۲۰۰۹). در حضور فیزیکی و در کنار هم، دیگران دسته‌ای از ایما و اشاره‌هایی مانند تن صدا، حالات صورت، چگونگی ایستادن و ژست که دیدگاه‌های آن‌ها را نسبت به ما نمایان می‌سازد، از خود بروز می‌دهند، اگر چه در مواقعی سعی در پنهان کردن مقصودشان در ارتباط باشند، ولی با مشاهده رفتارهای غیر قابل کنترل، ما اغلب به معنای رفتارهای آن‌ها پی می‌بریم. در آموزش نیز این تعامل حضوری و فیزیکی لازم به نظر می‌رسد. به اعتقاد عطاران (۱۳۸۶: ۶۳) برای آموزش تجربه عمیق مستلزم حضور مستقیم است تا در غم و شادی شریک شد و مخاطرات یادگیری و شوق‌های آن را تجربه کرد. سیری (۲۰۱۰: ۷۱) معتقد است فضای عمومی مشترک که جسمانی و بدون واسطه است. امکان یک تجربه بی‌همتا از ثبات و پیوستگی می‌دهد و مشارکت در مکان و زمان با یک گروه از افراد در یک کلاس در طی چند مدت، روابطی رشد یافته را امکان می‌دهد که در فضای مجازی یافت نمی‌شد. ارتباط در جهان واقعی شامل ویژگی‌هایی مانند گشوده بودن افراد به ارتباط و قبول قوانین اجتماعی توسط آن‌ها و احترام متقابل را شامل می‌شود. بعضی از متفکران معتقدند فضای اجتماعی اینترنت، راکد، بی‌روح و گسیخته است و شبکه اینترنت از آن جا که امکان ملاقات چهره به چهره را نمی‌دهد ما را از زندگی معمولی محروم می‌کند و آن هم به خاطر ندیدن مردم و هم دیده نشدن توسط مردم و نقد نشدن توسط آن‌ها صورت می‌گیرد (فین برگ، ۲۰۰۲: ۵). از دیدگاه گراهام (۲۰۰۳: ۱۴۴) ارتباط در حالت عادی شامل حرکات بدن، اشارات، و نگاه و غیره است که این‌ها در کلمات قابل بیان نیستند. تحسین، بغض و کینه یا حالت‌هایی مثل این‌ها ممکن است با نگاه و حالت‌های بدن انتقال داده شود و با توجه به حالت‌های اشاره و نگاه و غیره انسان می‌تواند احساس و ذهن طرف مقابل را بداند.

بنابراین به‌طور کلی باید گفت در مواردی که امکان ارتباط مستقیم و چهره به چهره وجود ندارد، اهمیت ارتباط آنلاین قابل انکار نیست. ارتباط از طریق اینترنت باعث می‌شود بسیاری از ارتباطات که در گذشته ناممکن بود، امروزه ممکن شود و به راحتی و در کمترین زمان امکان ارتباط با سراسر دنیا فراهم می‌شود، و این یکی از دستاوردهای بزرگ فناوری اطلاعات و اینترنت است که امکان چنین ارتباطات سریع و گسترده‌ای را فراهم کرده است. ضمن اینکه ارتباط با فراغ بال و آزادی بیشتر در فضای مجازی قابل تحقق است. اما در مقایسه با ارتباط اصیل می‌توان گفت چنین ارتباطی اگرچه کار انسان‌ها را در بسیاری از زمینه‌ها از جمله مسائل علمی آسان کرده است، ولی آن ارتباطی که به‌عنوان ارتباط اصیل مطرح است که زمینه رشد و تعالی انسان باشد به راحتی در فضای مجازی ایجاد نمی‌شود.

نسبت اینترنت با ژرف نگری و مسائل اساسی زندگی

انسان در زندگی متوسط هر روزی در سطح «عموم» باقی می ماند و مراحل بالاتر حیات را تجربه نمی کند. یکی از ویژگی های انسان اصیل توجه به مسائل مهم زندگی و دوری از روزمرگی، سطحی نگری و میان مایگی است. اگر به ویژگی های زندگی هر روزی توجه داشته باشیم، اندیشمندان هستی از جمله کرکگور برخی ویژگی ها برای آن عنوان می کنند. از جمله آن ویژگی ها، سطحی نگری، حرافی، پرداختن به همه چیز و هیچ چیز، میل به جستجوگری بی هدف و سرپوش گذاشتن بر اضطراب اگزیستانسی یا مشغول کردن خود به چیزهای معمولی و پیش پا افتاده و به طور کلی مسائل سطحی است. کرکگور سطحی بودن را به مواردی مثل سخن گفتن همگان در مورد رویدادهای روزانه بدون عمق و معنا و گفته های کلی و انتزاعی ارتباط می دهد. در فضای مجازی زمینه مناسبی برای سخن گفتن و شنیدن یا نوشتن و خواندن در مورد همه چیز وجود دارد. آزادی بیان و طرح اندیشه های متضاد در فضای مجازی، از اهداف اولیه چنین فضایی است. چنانچه اندیشه های بدون بنیان و اساس در این فضا مطرح شود، ثمره آن انباشته شدن شبهه های بسیاری است که توان بررسی و نقد و تحلیل همه آن ها از عهده مخاطبان بیرون است. بدین سبب کاربران بدون بررسی و تحقیق از آن متأثر می شوند. نتیجه سطحی نگری خواهد بود (روشندل اربطانی و صابر، ۱۳۹۱: ۱۲۵). جست و جوگری در اینترنت که شاید بارزترین مشخصه مربوط به اینترنت است، امروزه با مفهوم موج سواری^۱ در اینترنت بیان می شود. گراهام (۲۰۰۳: ۲۴) موج سواری اینترنتی را به معنای توجه سطحی به چیزها می داند. کسی که موج سوار اینترنت است برای او جمع آوری اطلاعات، روش زندگی محسوب می شود چنین موج سواری درباره هر چیزی کنجکاو است و هر لحظه خود را برای دیدن محیط هیجانی اینترنت صرف می کند. تعهد به زندگی کنجکاوانه که در آن اطلاعات منبع بی حد و حصر اطلاعات است که کرکگور آن را حوزه حسی زندگی می داند. در حوزه تعلیم و تربیت نیز این امر می تواند به سطحی نگری و کاهش ژرف نگری دانشجویان بیانجامد، به اعتقاد ریمسکی (۲۰۱۰: ۲۶) اطلاعات یافت شده در اینترنت بسیار متنوع تر از آن است که کاربران بتوانند تشخیص دهند کدامشان با علائق آن ها مطابقت دارد. محیط اینترنت طوری است که اکثر کاربران تحت تأثیر اطلاعات در آن هستند و علائق، اولویت ها و حتی فعالیت های آن ها تا اندازه زیادی مستقیماً به وسیله اطلاعاتی که از اینترنت به دست می آورند. گفتگوهای اینترنتی و شبکه اجتماعی موجود در آن و ارتباطات اینترنتی بیشتر در مورد مسائل جاری و روز است، و تجربیات دست اول زندگی و مسائل اساسی در آن مطرح نیست. حالتی از آسایش و آرامش ناشی از ارتباطات با همه و هیچ کس و جست و جوی هر چیز و هیچ چیز که

نوعی از خود بیگانگی می‌تواند باشد و سرپوش گذاشتن بر اضطراب اگزیزستانی است. به اعتقاد ترکل^۱ (۲۰۱۱) وقتی ما با دیگران در حال مبادله پیام در فضای مجازی هستیم احساس بهتری داریم. به‌ویژه وقتی ما به گونه‌ای ارتباط داریم که بلافاصله جواب آنی می‌دهیم به مسائل پیچیده فکر نمی‌کنیم (ترکل، ۲۰۱۱). فرد در فضای مجازی به‌طور کامل در حالتی از غرق شدن و تمرکز بر مسائلی در می‌آید، حالتی که به آن حالت سیلان^۲ گفته می‌شود در این حالت هدف‌های قابل دسترسی برای فرد است و فرد می‌تواند در حالتی از عدم آگاهی از خود قرار گیرد (همان: ۲۲۶). بنابراین فرصت تفکر به خصوص درباره خود و سرنوشت خود در آن‌جا به میزان قابل توجهی به ویژه با افزایش زمان حضور در فضای مجازی و خستگی ناشی از آن کاهش می‌یابد.

نسبت اینترنت با اضطراب اگزیزستانی

همان‌طور که بیان شد از دیدگاه کرکگور انسان‌ها به‌طور کلی از یک اضطراب درونی برخوردارند، اضطرابی که گاه می‌تواند نادیده گرفته شود و انسان با بی‌توجهی به شرایط انسانی و عدم تفکر درباره سرنوشت و معنای زندگی آن را درک نخواهد کرد. چرا که این دلهره و اضطراب، بیشتر در تنهایی جهت‌دار و اندیشیدن در معنای انسانیت و زندگی و مسئولیت بشری نمود پیدا می‌کند. این اضطراب معنای مثبتی برای انسان دارد، چون انسان را به اصالت نزدیک می‌کند و اصولاً اصالت اگزیزستانی با اضطراب توأم است و می‌تواند تلنگری برای معنا بخشی به زندگی و درک مسئولیت انسانی و مواجهه با واقعیت‌های اصیل جهان و انسان باشد. اما در رابطه با فضای مجازی این مسئله از چند دیدگاه قابل بررسی است. بحث شد که فضای مجازی می‌تواند انسان را از برخی واقعیت‌ها و مسائل ژرف دنیای واقعی دور کند. در نتیجه می‌تواند انسان را از اضطراب ناشی از رویارویی با برخی واقعیت‌ها دور کند و برای انسان آرامش فراهم کند. اصولاً فضای مجازی و فناوری اطلاعات برای انسان جالب و برانگیزاننده حس کنجکاوی است. انسان را در سطح نگه می‌دارد و مربوط به مسائل روزمره و عادی است که همه به آن‌ها علاقه‌مند و به نوعی در آن صاحب نظرند. در چنین فضایی عمق و ژرفای مسائل پوشیده است. همه از هر جا سخن می‌گویند و با هر کس ارتباط دارند، کسی که در چنین فضایی هست با خود رابطه چندانی ندارد و بیشتر با دیگران و جهان بیرون که همان جهان مجازی است ارتباط دارد. ارتباطات در فضای مجازی آسان، آزادی بسیار زیاد، مسئولیت و تعهد کم می‌شود. از این رو چنین فضایی، کاهش اضطراب و افزایش آرامش را در پی دارد. از دیدگاه

1- Turkle

2- Flow

پاپوویک^۱ (۲۰۰۲:۳۳) اضطراب اگزیزتانیسی وقتی ظاهر می‌شود که فرد با واقعیت بدون حفاظتی از ساختار شخصی و اجتماعی روبرو می‌شود، از این منظر اضطراب اگزیزتانیسی تجربه بنیادی و هستی شناختی و منتج از عدم اطمینان^۲ از شرایط انسانی است. پس چون انسان در فضای مجازی، واقعیت‌های جهان و طبیعت را بلافصل تجربه نمی‌کند، پس اضطراب اگزیزتانیسی هم کم خواهد بود. در فضای مجازی، انسان واقعیت را به صورت مجازی و در ساختار خاص آن ملاحظه می‌کند، که طبعاً با تجربه‌های اصیل از زندگی متفاوت است. هم چنین از آن جا که در گفتگوها و ارتباطات فضای مجازی، مسئولیت کاهش می‌یابد از این دیدگاه باید گفت کاهش مسئولیت پذیری انسان به خاطر عدم مواجهه چهره به چهره و گمنامی نیز به کاهش اضطراب می‌انجامد. گفته می‌شود (نقیب زاده، ۱۳۷۸:۱۹۶) غوطه‌ور شدن انسان در زندگانی هر روزی به او حالتی از آسایش و آرامش می‌دهد. اما این آسایش، همانا از خودبیگانگی است، که برای دانشجویان می‌تواند یک خطر محسوب شود. این آرامش در واقع فرار از خویشستن و پناه بردن به دیگران و همگان و در نتیجه ناخودشدن، است. به اعتقاد میجرس^۳ (۲۰۰۹:۱۳۷۸) اطلاعات بسیار زیاد و حجم بالا یا اطلاعات اشباع^۴ منجر به خستگی و ناتوانی در تصمیم‌گیری توسط کابر می‌شود. فضای مجازی به خاطر اطلاعات و اخبار بسیار زیاد آگاهی انسان را افزایش می‌دهد ولی این آگاهی بیشتر آگاهی از بیرون است تا درون. ولی اضطراب اگزیزتانیسی بیشتر حاصل از آگاهی از خود است.

نتیجه‌گیری

البته باید گفت کر کگور مانند سایر اندیشمندان فلسفه اگزیزتانیس نگاه بدبینانه‌ای به فناوری دارد. در این پژوهش سعی شد جنبه‌های مثبت و منفی اینترنت در نسبت با اصالت مشخص شود. همچنین باید گفت یکی از نکات قابل تأمل در اندیشه‌های کر کگور این است که اندیشه‌های او بیشتر از این که بر خود مفهوم اصالت متمرکز باشد، بر مفاهیم متضاد اصالت و شرایطی که اصالت انسان در خطر می‌افتد متمرکز است. در واقع کر کگور بیشتر از اینکه به ارائه راه حل بپردازد، خطر موجود در جامعه را نشان می‌دهد. کاری که دیگر اندیشمندان بزرگ فلسفه اگزیزتانیس یعنی هایدگر هم انجام داده است.

اینترنت به‌عنوان فناوری آموزشی در مواردی می‌تواند به اصالت انسان کمک کند و در واقع اصالت انسان را تقویت کند و در مواقعی مانعی در برابر اصالت انسان می‌تواند باشد. در نسبت با

1- popovic
2- uncertainty
3- Meijers
4- Glut

فردیت به لحاظ وجود آزادی‌های خاصی که در اینترنت است امکان توسعه برخی ویژگی‌های فردی و آگاهی فردی افزایش می‌یابد، از طرفی انبوه اطلاعات در آن فرصت تفکر و توجه به درون را کاهش می‌دهد و چنانچه کرکگور معتقد است پرداختن به همه چیز و هر نوع اطلاعات انسان را در سطح نگه می‌دارد و به عبارتی فراتر از حوزه حسی نمی‌توان رفت. در مورد ارتباط اصیل در فضای باید گفت امکان ارتباط اصیل چنانچه مورد نظر کرکگور هست اتفاق نمی‌افتد، هر چند به صورت کلی ارتباط با افراد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف گسترش می‌یابد. به علت وجود اطلاعات فراوان در فضای مجازی امکان تفکر و توجه به درون کاهش می‌یابد. در نتیجه می‌توان گفت کاهش ژرف‌نگری و افزایش سطحی‌نگری در فضای مجازی قابل پیش‌بینی است. هم‌چنین به دلیل این که در فضای مجازی انسان در حوزه حسی قرار گرفته و ارتباط مستقیم با فضای واقعی ندارد امکان درک اضطراب اگزیستانسی وجود ندارد، چون فرد با خود رابطه چندانی ندارد و بیشتر با دیگران و جهان بیرون ارتباط دارد. عدم توجه به خویش و سرنوشت زندگی، به پنهان شدن اضطراب اگزیستانسی می‌انجامد. بورگمن^۱ (۲۰۰۰) زندگی مناسب را بودن و زیستن در واقعیت و دنیای واقعی می‌داند. یکی از ویژگی‌های اصالت، بودن در جهان واقعی و به عبارتی پیوند با آن و زندگی کردن با واقعیت‌های جهان است. فناوری به‌ویژه فناوری اطلاعات ما را از روش و نوع بودنی که متجسد، حاضر و در ارتباط با طبیعت هستیم دور می‌کند و به جای آن ما مشاهده‌گری می‌شویم که از دور (با فاصله) به دنیا نگاه می‌کنیم، و حضور بلافصل خودمان را از دست می‌دهیم. بنابراین انسان فناورانه بعضی از روش‌های بودن خود را، یعنی روش‌ها یا راه‌هایی که ما را اصیل می‌ساختند، از دست می‌دهد. چنین موضوعی در حوزه تعلیم و تربیت قابل تأمل است. اگر آگاهی کامل درباره ویژگی‌ها و شرایط فضای مجازی وجود داشته باشد می‌تواند علاوه بر بسیاری خدمات که فراهم می‌کند در جهت پرورش اصالت هم دارای نقش مثبتی داشته باشد، ولی استفاده نادرست و نابجا از آن می‌تواند انسان را از خود و اصالت خویش دور کند. اینترنت به‌عنوان ابزار آموزشی نباید جای تفکر و اندیشه و نیز تعاملات مستقیم انسان با انسان‌های دیگر را بگیرد. چنانچه هایدگر وارستگی از اشیا را مطرح می‌کند که در واقع به معنای استفاده از ابزار و فناوری‌ها در عین حال غرق نشدن در چنین فناوری‌هایی است (برومند و حسینی، ۱۴:۱۳۹۳). هایدگر از تفکر معنوی در مقابل تفکر حسابگرانه سخن می‌گوید و معتقد است تفکر معنوی برخلاف تفکر حسابگرانه که با چشم نابینا در پی تسلط بر اوضاع از طریق محاسبه است، معنای آن چه بر سر ما می‌آید را مورد تأمل قرار می‌دهد (هایدگر، به نقل از همان) در محیط آموزش عالی نیز جایگاه آن باید به‌عنوان رسانه آموزشی برای دانشجویان تبیین و مشخص گردد تا در جای مناسب کمک‌رسان امور آموزشی باشد. آموزش عالی

می‌تواند با ارائه آموزش‌ها و بینش‌های لازم در خصوص نقش و جایگاه اینترنت به‌عنوان فناوری آموزشی و ارائه معیارهای درست استفاده از اینترنت به استفاده کاربرد صحیح اینترنت کمک کند.

تنگناها	فرصت‌ها	مولفه‌های اصالت
کاهش تمرکز و توجه به خود و قرار گرفتن در معرض اطلاعات و افکار گوناگون و کاهش توانایی تصمیم‌گیری	افزایش آزادی‌های فردی و فرصت بروز خویشتن	فردیت
توجه به همه چیز ف افزایش سطحی‌نگری و کاهش امکان تأمل ژرف	-----	ژرف‌نگری
عدم وجود مولفه‌های ارتباط اصیل مانند ارتباط چهره به چهره و زنده و وجود فاصله مکانی و عدم حضور فیزیکی	ارتباط با افراد مختلف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف امکان پذیر می‌شود	ارتباط
غفلت از خود و عدم درون‌نگری و کاهش تفکر و تأمل و کاهش تجربه‌های اصیل و واقعیت‌های زندگی	توجه به افکار و اطلاعات گوناگون و آرامش ظاهری و کاهش اضطراب اگزیستانسی	اضطراب اگزیستانسی

جدول ۱-نسبت هریک از مولفه‌های اصالت با اینترنت

منابع:

- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برومند، خشایار و حسینی، سیدحسین (۱۳۹۳)، بررسی رویکرد هایدگر در مواجهه با تکنولوژی، غرب شناسی بنیادی، سال ۵، شماره ۱، صص ۲۲-۱.
- خدایاری، کلثوم، دانشورحسینی، فاطمه و سعیدی، حمیده (۱۳۹۳)، میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱۹۲-۱۶۷.
- دهباشی، مهدی. رضاییان، مرضیه (۱۳۹۰)، بررسی اندیشه‌های مولوی و کرگور در باب خودشناسی، حکمت و فلسفه، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۰۲-۷۵.
- روشندل اربطانی، طاهر و صابر، منوچهر (۱۳۹۱)، ارتباط میان فرهنگ و فناوری اطلاعات و ارتباطات و آسیب‌های فرهنگی اینترنت، مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۲۸-۱۰۹.
- صالح صدق پور، بهرام و میرزایی، شراره (۱۳۸۷)، چالش‌های نگرشی اعضای هیئت علمی در آموزش الکترونیک، مجله فناوری آموزش، سال ۳، شماره ۱، صص ۸۷-۷۷.
- عبداللهی، مجید، زمانی، بی بی عشرت، ابراهیم زاده، عیسی، زارع، حسین و زندی، بهمن (۱۳۸۹)، ارائه یک الگوی مفهومی برای بررسی عوامل عمده نگرانی و بازدارنده‌های مشارکت اساتید دانشگاه‌ها در آموزش مجازی، مدیا، سال ۱، شماره ۲، صص ۹-۲.
- عطاران، محمد (۱۳۸۶)، دانشگاه مجازی: بازخوان روایت‌های موجود، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۷۴-۵۳.
- قبادی، حسینعلی و گرجی، مصطفی (۱۳۸۷)، پیام‌های جهانی مولوی برای انسان امروز، مطالعات عرفانی، سال ۳، شماره ۸، صص ۱۰۱-۱۲۴.
- کومبز، جرالدر، دنیلز و لو روی بی (۱۳۸۸)، پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی، ترجمه خسرو باقری، در روش شناسی مطالعات برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: سمت.
- مستعان، مهتاب (۱۳۸۶)، کی بر که گور: متفکر عارف پیشه، تهران: پرسش.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۷)، نگاهی به نگرش‌های فلسفی سده بیستم، تهران: طهوری.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۵)، درآمدی به فلسفه، تهران: طهوری.

- Ajana, B. (2005). Disembodiment and cyberspace: a phenomenological approach. *Electronic journal of sociology*.vol 7, Pp 1-10. ISSN:11983655
- Alba, D.G & Barnacle, R (2005). Embodied knowing in online environments. *Educational philosophy and theory*, Vol 37, No 5
- Bonnett, M. Cuypers, S. (2003).Autonomy and authenticity in education. In the *Blackwell guide to philosophy of education*. Edited by Nigel Blake, Paul Smeyers, Richard Smith, and Paul Standish. USA: Blackwell
- Borgmann, A. (2000). Holding on to reality. The nature of information at the turn of the MILLENNIUM. The university of Chicago press, ITD, London.
- Dreyfus, H. (2009). *On The Internet*. London & New York: Routledg
- Dreyfus, H. (2002). Anonymity versus Commitment: the dangers of education on the internet. *Educational philosophy and theory*. Vol 34. No 4. Pp 369-378
- Flynn.R.Thomas (2006). *Existentialism, A very short introduction*.United states: Oxford university press
- Feenberg, A. (2002). Community technology and democratic rationalization. *The information society*. No 18. Pp181-192
- Golomb.J (2005). *The search of authenticity from Kierkegaard to Comus*. London and New York: Rutledge
- Graham, G. (2003). *The Internet: A philosophical Inquiry*. London & New York: Routledg
- Heidegger, M. (1927). *Sein Und Zeit*, trans. J. Stambaugh, being and time New York: State university of New York press, 1996
- Heidegger. (1954). the question concerning technology. In the question Concerning Technolo & other essays. Translated by William Iovitt
- Kierkegaard, S (1959).*The Journals*. Trans by: Alexander Dru. Oxford university Press
- Kierkegaard, S. (1960). That individual. In: *Existentialism from Dostoevsky to Sartre*. By: Walter. Kaufman. New York meridian books, Inc.
- Kierkegaard, S. (1973).*The concept of dread*. trans by Walter lowrie.USA :Princeton university press

- Kierkegaard, S. (1994). *Fear and trembling*. Trans by Walter lowrie. United states: Everyman library
- Kierkegaard. S, (1962). *The Present age*. trans by Alexander Dru. Harper & Row: U.S.A
- Heidegger. (1954). *The question concerning technology*. In *the question Concerning Technolo & other essays*. Translated by William lovitt
- Lombaard,C.(2009). *Fleetingness and media-ted existence*. From Kierkegaard on the newspaper to Broderick on the Internet. *South Africa Journalfor Communication Theory and Research*, 35:1, 17-29
- Marcel, G. (1963). *The Existential Background of Human Dignity*. Harward: Harward University Press.
- Martin. J. M, Westphal. M. (1995). *Kierkegaard in Post Modernity*. United States of America: Indiana University press
- Meijers.A.(2009) *Philosophy of technology and engineering science*. Eindhoven university of technology .Eindhoven The Netherlands
- Naess,A.(1966). *Kierkegaard and values of education*. kierkegaard conference of the international institute of philosophy. Copenhagen
- Popovic , N.(2002). *Existential Anxiety and existential joy*. Practical philosophy autumn2002, Pp32-39
- Prosser, B. Ward, A. (2000). *Kierkegaard and the internet: Existential reflections on education and community*. *Ethics and information technology*2: 167-180
- Rimskii, V. (2010). *The Influence of the Internet on Active Social Involvement and the Formation and Development of Identities*. *Russia Education and Society*, 52(8), 11-33
- Seery, A. (2010). *Education, the Formation of self and the world of web2.0*. Istitute of education. University of London, 8(1), 63-73
- Turkle,S.(2011). *Alone together*. New York: Basic book

